

متن پرسش

با عرض سلام: یکی از دوستان بنده ایمیلی به بنده فرستاده است که با استناد به آن نتیجه میگیرد که مولوی دشمن اهل بیت است! ایشان از لحاظ علمی و مطالعه فکر نمیکنم در سطح بالایی باشد. بنده اینجا عین ایمیل ایشان را می آورم و خواهشمندم جواب آن را بدهید تا مطلب روشن شود و برای ایشان هم بفرستم: «مولوی (محمد بلخی): ابن ملجم دست خدا بود که امام علی (ع) را کشت! (العیاذ بالله) مولوی در مثنوی در راستای جبر اندیشی عرفانی با یک دروغ پردازی از زبان امیر المؤمنین علی علیه السلام ابن ملجم را تبرئه کرده و به وی می گوید که من از تو هیچ بغضی در دلم ندارم. چرا که قاتل من تو نبود. تو فقط آلت فعل خداوند بودی و قاتل واقعی من خداوند بود! من همی گویم برو جف القلم زان قلم بس سرنگون گردد علم هیچ بغضی نیست در جانم ز تو زان که این را من میدانم ز تو آلت حقی تو، فاعل دست حق کی ز منم بر آلت حق طعن و دق! و بعد از زبان امیر المؤمنین علیه السلام به دروغ خطاب به ابن ملجم می گوید که بابت عملی که مرتکب شده ای نگران نباش، من در قیامت شفیع تو خواهم بود: لیک بیغم تو، شفیع تو منم خواجه روحم نه مملوک تنم (مثنوی معنوی/ دفتر اول/ ص ۱۹۰) بر دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) لعنت»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: توصیه‌ی حضرت امام خمینی به احمد آقا آن است که: ای احمد! اگر زبان این طبقه را نمی‌فهمی لا اقل انکارشان نکن. آیت‌الله تهرانی در کتاب «روح مجرد» یک بحث مفصلی در تشییع مولوی و محیی‌الدین آورده‌اند و خود من از آیت‌الله جوادی شنیدم که مولوی در عقاید، شیعه است. مولوی در مورد علی «علیه‌السلام» می‌گوید: «تو ترازوی احد خو بوده‌ای بل زبانه‌ی هر ترازو بوده‌ای» یعنی علی «علیه‌السلام» را ملاک حقانیت هرچیز می‌داند. از طرفی حتما می‌دانید که زبان عرفان، زبان اظهار تکوینیات نیز هست لذا عرفا حادثه‌ها را و به همان معنایی که خداوند اراده کرده‌است می‌نگرند. آیا می‌توان از نظر تکوین بگویم خدا نمی‌خواسته حضرت امام حسین «علیه‌السلام» شهید شوند؟ یا این که از جهت تکوین همین را می‌خواسته که واقع شد و گرنه لازم می‌آید بگویم قدرت یزید از قدرت خداوند بیشتر است. آری تشریحاً خداوند خواسته که همه حرمت حضرت امام حسین «علیه‌السلام» را به عنوان امام زمان در آن تاریخ نگه دارند. اشعاری هم که مولوی در این جا آورده نظر به نگاه تکوینی علی «علیه‌السلام» دارد که چگونه حضرت با آن شعور تکوینی خود متوجهی اراده‌ی حضرت حق در این حادثه است و نسبت به آن که ابن ملجم در نظام تکوین کاری

انجام نداده مگر آنچه را خدا اراده کرده و معلوم است اولیاء الهی هر آنچه خدا اراده کند می‌پسندند و بدان راضی‌اند. به همین جهت می‌گوید: «آلت حقی تو، فاعل دست حق». اتفاقاً مولوی از این جهت دارد ما را متوجه نگاه بصیر علی «علیه‌السلام» می‌کند و در همین رابطه در جایی دیگر خطاب به علی «علیه‌السلام» می‌گوید: «ای علی که جمله عقل و دیده‌ای ... شمه ای بنما از آنچه دیده‌ای» می‌گوید ای علی تو تنها عاقل نیستی، خودِ عقلی و خودِ بصیرت هستی و از آن حضرت تقاضا می‌کند شمه‌ای از آن بصیرت را به ما بده. موفق باشید